

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هیم
از آن به که کشور به دشمن د هیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

26 اکتوبر 2011

گذر هائی در فیس بک

(گذر سیزدهم)



سروده ای را که مریم جان شیرازی با مبدأ

جان و جهان! دوش کجا بوده‌ای؟
نی غلطم در دل ما بوده‌ای

در فیس بک نوشته بودند که در گذر دوازدهم کاملاً نشر شده ،
به پاسخش محترمه نازی جان نور چنین پرداخته اند:

Nazy Noor از محترمه نازی جان نور:

یار سبک روح ! به وقت گریز

تیزتر از باد صبا بوده ای

بی تو مرا رنج و بلا بند کرد

باش که تو بنده بلا بوده ای

و این کمترین بی پاسخ نوشته بودم که:

دوش به بزم دگری بوده ام

بیخبر از پا و سری بوده ام

جرعه ای از دست پری پیکری

نوش ، ز بس در بدری بوده ام

....

که در گذر دوازدهم کامل نشر شد.

محترمه مکرمه معظمه نازی جان نور با نوشته سحرآمیز شان خیلی زیاد از اندازه به
ذره نوازی و نمله پروری پرداخته از این مسکین قدردانی نموده اند که خامه شکسته ام را
قدرت و توان پاسخش نیست. همچنان به تعویض عکس خویش پرداخته اند که با دیدن
تصویر جدید شان خامه به جولان آمد:

مست و خراب از نگه ناز تو
 از سر شب ، تا سحری بوده ام
 حیف ، حجابی بمیان آمدی
 شایدم از بدبتری بوده ام
 از نگه جادوی سحر آفرین
 دور ، ز حُسن نظری بوده ام
 عینک دودی سیاه ، بهر چه
 مرتکب ، چه قصری بوده ام ؟
 یا که خطائی ز منت سر زده ؟
 یا که زیادی اشری بوده ام ؟
 یا که فضولی من از حد گذشت ؟
 لایق همچو ، حذری بوده ام ؟
 پاسخی خواهم ز حضورت ، چرا ؟
 از همه بیگانه تری بوده ام
 « نعمت » محروم ، ز گرم نگه
 نملۀ بی بال و پری بوده ام

Ariana Khalil

و همچنان محترمه آریانا جان خلیل در یادداشت سروده (لیلی لیلای عشق) چنین تبصره نموده اند که :

wa,wa ,che asheqan ra geer mandim
 یعنی (واه واه چه عاشقان را گیر ماندیم)

Mokhtarzada Nematullah

با عرض ادب و احترام خدمت محترمه معظمه ، آریانا جان خلیل تقدیم است:

گیر ماندی گر به بند عاشقان
 احتیاطی ، از کمند عاشقان
 میخلد تیر جفا از هر طرف
 در کف پای سمند عاشقان
 میکشاند هر طرف ، دیوانه وار
 بی اراده ، هر نوند عاشقان

گر ز صدق دل بخواهی، میشوی
نور چشم و ارجمند عاشقان
امتحاناتی، بسی پیهم رسد
از فغند و از سرند عاشقان
آریانا! داد و فریادت ز چیست
اینچنین باشد روند عاشقان؟
کام خود را اندکی شیرین کن
شگر و از شهد و قند عاشقان
نوش جانانت نوش جانانت نوش جان
زین کباب دلپسند عاشقان
اشتهای خوب « نعمت » گویدت
لذتی دارد گزند عاشقان

